

# اهداف اقتصادی و اجتماعی اسلام در نهاد وقف

سعید خیرآبادی

وقف از باسابقه‌ترین میراث‌های ارزشمند اسلامی است که از صدر اسلام تاکنون در همه جوامع اسلامی سخت مورد توجه بوده و به رغم همه نوسان‌ها و حوادث و دگرگونی‌ها و بلاها و مصیبت‌هایی که در عمر طولانی خود با آنها دست به گریبان بوده، آثار بسیار ارزشمند و مؤثری در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... بر جای گذاشته است و همچنان می‌تواند به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در این جنبه‌ها و زمینه‌ها در جوامع اسلامی مطرح باشد. در این مقاله، آثاری که این سنت دیرپای نبوی می‌تواند بر اهداف نظام اقتصادی اسلام (به معنای عام) داشته و یا داشته باشد، به طور مختصر، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطالب این مقاله در سه بخش تنظیم و تدوین شده است:





**بخش ۱**

**نظام اقتصادی اسلام**

۱. تفاوت مکتب اقتصادی و علم اقتصاد  
 مکتب اقتصادی عبارت است از شیوه حل مسائل اقتصادی که در هر جا به نحوی از آن پیروی می‌شود ولی علم اقتصاد دانشی است که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر و روابط آنها را با یکدیگر تعیین می‌نماید. به فشرده‌گی می‌توان گفت: مکتب، روش ولی علم، تفسیر است. شهید سید محمدباقر صدر<sup>۱</sup> و به پیروی از او بسیاری از پژوهشگران اقتصاد اسلامی یادآور شده‌اند که باید مقوله «اقتصاد اسلامی» را که مکتب است با علم از یکدیگر بازشناخت زیرا در نظام اسلامی هیچ یک از حوادث و قوانین اقتصادی تجزیه و تحلیل نشده (تا علم اقتصاد باشد) بلکه این نظام، به عنوان یک برنامه اقتصادی که از سایر طرح‌ها بهتر دانسته شده برای جامعه اسلامی لازم‌الاجرا دانسته شده است.

از این رو، نظام اسلامی جنبه مکتبی دارد و نه علمی. البته قلمرو مکتب اقتصادی نیز (همانند علم اقتصاد) تنها توزیع ثروت نیست و شامل تولید نیز می‌شود. زیرا بحث از تولید یا توزیع تا هنگامی که با روش و هدف مخصوص به آن، تعقیب شود جنبه مکتبی آن محفوظ است. اما این ارتباط و وابستگی علم اقتصاد با مکتب اقتصادی نباید موجب شود که جنبه‌های علمی و مکتبی مطالعات اقتصادی را در هم آمیخته شود.

علت اینکه عده‌ای، اسلام را فاقد یک نظام اقتصادی دانسته‌اند، این نکته است که بین مطالعات علمی و مطالعات مکتبی تفاوتی قابل نمی‌شوند.

انسان می‌گویند چون مباحثی که در آثار اقتصادی آدم اسمیت، ریکاردو و دیگران درباره قوانین اقتصادی، تولید، توزیع، و... آمده در اسلام به چشم نمی‌خورد، بنابراین اقتصاد اسلامی خیالی بیش نیست. مکتب اقتصادی به هر قاعده اساسی که با باور عدالت اجتماعی ارتباط یابد گفته می‌شود، در حالی که علم اقتصاد شامل هر نظریه‌ای است که رویدادهای عینی اقتصادی را دور از هر گونه اندیشه عدالت‌خواهی و پیش‌ساخته ذهنی، تفسیر می‌کند. از این رو، مفهوم عدالت، حد فاصل مکتب و علم، و به منزله شاخصی است که افکار مکتبی را از نظریه‌های علمی جدا می‌کند. عدالت به خودی

خود جنبه علمی ندارد و با ابزار علمی، قابل ملاحظه و آزمایش نیست بلکه یک دریافت اجتماعی است. بحث از مالکیت خصوصی، آزادی اقتصادی، لغو بهره، ملی کردن ابزار تولید و... که با مفهوم عدالت مرتبط است، جنبه مکتبی و بحث از قانون عرضه و تقاضا، بازده نزولی و... که حاکی از حقیقتی عینی و ثابت هستند جنبه علمی دارند.

۲. وظیفه و کار اصلی محقق در مکتب اقتصاد اسلامی کشف است نه تکوین و تأسیس، برخلاف سرمایه‌داری و سوسیالیسم که هدفشان ابداع و تأسیس است. دلیل این تمایز این است که برخلاف سرمایه‌داری و سوسیالیسم، در استخراج نظام اقتصادی اسلامی از منابعی استفاده می‌شود که عبارتند از: حقوق، احکام، مفاهیم و پیشنهادهای اقتصادی اسلام که از قبل وجود دارند.

از این رو، وظیفه دانشمندان، محققان و فقیهان کشف، اجتهاد و استنباط است نه تکوین و وضع آن. منابع اصلی شناخت مکتب اقتصادی اسلام نیز همان منابع شناخت سنت است. پیش‌قدم و احکام فقهی اسلام و کتاب و سنت است. از این رو، باید توجه داشت که روش بحث و پژوهش در اقتصاد اسلامی با آنچه در

**وظیفه و کار اصلی محقق در مکتب اقتصاد اسلامی کشف است نه تکوین و تأسیس، برخلاف سرمایه‌داری و سوسیالیسم که هدفشان ابداع و تأسیس است. دلیل این تمایز این است که، برخلاف سرمایه‌داری و سوسیالیسم، در استخراج نظام اقتصادی اسلامی از منابعی استفاده می‌شود که عبارتند از: حقوق، احکام، مفاهیم و پیشنهادهای اقتصادی اسلام که از قبل وجود دارند.**





مکتب‌های اقتصادی دیگر مطرح می‌شود متفاوت است. زیرا در آن مکتب‌ها بررسی‌کننده آنها به طور آزاد می‌تواند از ابتدا نیازهای یک نظام اقتصادی را مورد مطالعه و کاوش قرار دهد. در صورتی که یک محقق و متفکر اسلامی باید نظام اقتصادی اسلام را از مفاد احکام فقهی و مضمون دیگر منابع اسلامی استنباط و کشف کند و روشن است که این کار تنها بر اساس روش اجتهاد میسر است.<sup>۲</sup>

۳. مطالب گذشته به این معنا نیست که مکتب اسلام در باره روابط حقیقی حاکم در یک نظام اقتصادی دیدگاهی ندارد و ما نمی‌توانیم علم اقتصاد اسلامی داشته باشیم. برای شناخت اقتصاد اسلامی در بخش روابط حقیقی حاکم در یک نظام اقتصادی مبتنی بر اسلام و تحلیل و تفسیر آن روابط، علاوه بر شناخت دقیق و کامل مکتب اقتصادی اسلام، به استفاده از روش‌های علمی و تحلیلی نیز نیاز است که معمولاً از آنها در علم اقتصاد بحث می‌شود.

البته تحلیل‌های یاد شده در صورتی دقیق و درست خواهد بود که به چارچوب‌های مکتب کاملاً توجه شود. همچنین از نقش جهان‌بینی اسلامی و معیارهای علمی و ارزشی آن غفلت نشود. یعنی هم به اجتهاد و آگاهی محققانه به مبانی استنباط فقهی بسیار نیاز است و هم نمی‌توان از آگاهی کامل به مباحث فنی و علمی اقتصادی، بی‌نیاز بود. بدین ترتیب است که ضرورت هماهنگی دقیق و همه‌جانبه میان حوزه و دانشگاه روشن می‌شود.<sup>۳</sup>

دکتر انس زرقا، در مقاله‌ای درصدد اثبات این مطلب برآمده است که اقتصاد یک علم نظری محض (مانند فیزیک و...) نیست و فاقد احکام ارزشی نیست و نیز اسلام، اگرچه اساساً دستوری است، اما از مفاهیم اثباتی (نظری) در باره واقعیت‌های اقتصادی عاری نیست. وی در ادامه برای اثبات وجود مفاهیم اثباتی در قرآن و سنت، موارد و شواهدی را یادآور شده است. به عنوان نمونه با ذکر آیه «ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض»<sup>۴</sup> اگر خدا روزی بندگانش را گشایش دهد در زمین سرکشی می‌کنند. و آیه «ان الانسان لیطغی ان راه استغنی»<sup>۵</sup> حقا که انسان طغیان می‌کند اگر خود را بی‌نیاز ببیند، معتقد است که این دو آیه به یکی از آثار افزایش قابل توجه ثروت و درآمد بر رفتار انسان، اشاره می‌کند (که یک مفهوم اثباتی است) و به نظر نمی‌رسد که اقتصاددانان به این ارتباط توجه داشته باشند.



وی ضمن برشمردن آیات و روایاتی در این زمینه، تصریح می‌کند که تمام «بایدها» و «نبایدها»ی به جا که در اسلام با آن مواجهیم، عباراتی مختلط از مفاهیم دستوری و اثباتی‌اند، مثلاً در آیه «کتب علیکم الصیام... لعلکم تتقون» جزئی از آیه (امر به صیام) دستوری و جزئی دیگر از آن (نقش روزه در تحقق تقوا) اثباتی است.<sup>۶</sup>

## چشم‌انداز

### اهداف اقتصاد اسلامی

نظام اقتصادی اسلام در حقیقت دو نوع هدف دارد:

الف. هدف اولی و اصلی

هدف اولی و اصلی نظام اقتصادی اسلام (همانند دیگر نظام‌های اسلام)، کمال حقیقی، انسان یعنی تقرب الی الله و بقیه کمالات ابزار و مقدمه برای این هدف هستند که به اندازه تأثیرشان در این سمت و سو ارزش دارند.

آیاتی چون «انا لله و انا الیه راجعون»<sup>۷</sup> و «الی الله المصیر»<sup>۸</sup> و آیات فراوان دیگر گویای این حقیقت هستند. قرب الهی یعنی دریافت رابطه وجودی انسان با خویش، یعنی احساس اینکه به او تعلق دارد، همه چیز انسان از او و وابسته به او است و از خود استقلال ندارد و بدون رابطه با او هیچ است. البته خدا به انسان نزدیک است و بر او احاطه دارد: «...وَنَحْنُ اقْرَبُ الیه من حبل الورد»<sup>۹</sup> پس دوری از جانب انسان است. آن هم

به خاطر عدم آگاهی از رابطه خویش با خدا که باید با بندگی و اطاعت، صفات کمال را در خود رشد دهد و به قرب خداوند نایل شود تا آنجا که: «حتی تکون اعمالی و اورادی کلها ورداً واحداً و حالی فی خدمتک سرمداً»: تا آنکه همه کارها و ذکرهایم یک سخن باشند و حال من برای همیشه در خدمت تو باشد. «و ما خلقت الجنّ و الانس الا ليعبدون»<sup>۱۱</sup> «ای لعرفون»: ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای این که مرا پرستش کنند. «با عبادت به من معرفت پیدا کنند»<sup>۱۲</sup>.

از این رو، اگر خداوند آبادی زمین را از انسان خواسته است «... و هو انشأکم من الارض و الستعمرکم فیها...» «...خداوند شما را از خاک آفرید و از شما عمارت و آباد ساختن زمین را خواست...» یا از او اقامه عدالت و قسط را طلب کرده است «...لیقوم الناس بالقسط...»<sup>۱۳</sup> تا مردم اقامه قسط کنند (و به عدالت عمل کنند)...

خداوند انسان را به تلاش، جهاد، فداکاری و ایثار برای رفع نیاز دیگران تشویق و ترغیب کرده است... تمام اینها از اهداف فرعی و جزئی نظام آفرینش و آفرینش انسان هستند که از آن هدف کلی سرچشمه می‌گیرند و به اندازه سهمی که در تحقق و نیل به آن هدف اصلی دارند، دارای ارزش و اهمیت می‌باشند. در غیر این صورت «اولئک کالانعام بل هم اضل...»<sup>۱۴</sup>

پرواضح است که تأثیر بینشی به این گونه نیست به جهان و فعالیت‌های انسان و اهداف آنها، با بینش‌هایی که مکتب‌های سرمایه‌داری، سوسیالیسم و... نسبت به جهان و انسان دارند به هیچ وجه قابل مقایسه نیست.<sup>۱۵</sup>

#### ب. هدف‌های فرعی و ثانوی

علاوه بر هدف اولی و اصلی که به اختصار در باره آن سخن گفته شد نظام اقتصادی اسلام، دارای هدف‌های فرعی نیز می‌باشد. هدف‌هایی که در حقیقت، مقدمه تحقق همان هدف اصلی هستند و همان‌طور که اشاره شد اهمیت و ارزش آنها شعاعی از ارزش و مطلوبیت هدف اصلی و کمال نهایی خواهد بود. به عنوان نمونه اگر رفاه و آسایش اقتصادی از اهداف اقتصاد اسلامی است، این رفاه و آسایش در صورتی مطلوب است که در جهت تأمین سعادت ابدی قرار گیرد و راهی برای وصول به کمال نهایی باشد.

از دیدگاه اسلام، ارزش کل دنیا به دلیل همان مقدمه و مزرعه آخرت بودن آن است. در اینجا به اختصار به بررسی و تحلیل مهمترین اهداف اقتصادی اسلام می‌پردازیم.

در پاره‌ای از توضیحات این بخش از کتاب اقتصاد ما و مبانی اقتصاد اسلامی بهره گرفته‌ایم تا بینیم وقف به عنوان یکی از منابع مالی در جامعه و امت اسلامی چه نقش و تأثیری بر این اهداف می‌تواند داشته باشد.

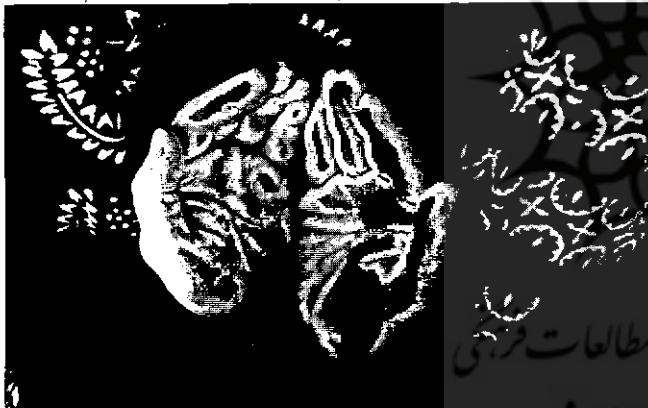
#### ۱. حاکمیت سیاسی اسلام

بدون شک در روابط خارجی، پیوندهای سیاسی و اقتصادی در هم آمیخته به هم پیوسته‌اند. به طوری که وابستگی سیاسی بسیاری از کشورهای جهان سوم، معلول وابستگی اقتصادی آنهاست. کمال نادانی است، کسی تصور کند که امروزه استقلال سیاسی کامل بدون استقلال اقتصادی (البته به عنوان شرط لازم و نه کافی) میسر است. روشن است که اسلام با وابستگی اسلام و مسلمانان سخت به مبارزه برخاسته است. در این راستا به چند نمونه اشاره می‌شود:

«ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»<sup>۱۶</sup> در این آیه هرگونه استیلا و سلطه‌ای از جانب کافران ممنوع شده است.

«و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة...»<sup>۱۷</sup>

در این آیه از مسلمانان خواسته شده تا همه نیروهای خود را به کار گیرند تا دشمن هوس سلطه بر





سرزمین‌های اسلامی را در سر نیرووراند.

«الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»

مطابق این حدیث علو و برتری از آن اسلام است و هر گونه علو و برتری بر اسلام مردود دانسته شده است.

## ۲. تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

در اسلام، تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی همیشه و در همه جا مورد نظر است. دست کم یکی از اهداف حرمت کسب از راه حرام و باطل، سفارش به آدابی چون تکبیر و شهادتین در هنگام معامله و رعایت ضعیفان و سود کمتر گرفتن و توصیه به مواسات در زندگی اجتماعی و جنبه عبادت داشتن بسیاری از مالیات‌ها و انفاق‌های مالی و... و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی با هدف رشد و افزایش روحیه ایثار و فداکاری، برادری و برابری و... است. یادآوری دو نکته در این جا ضروری است:

الف. این هدف را نباید با هدف اصلی و اولی نظام‌های گوناگون اسلام (نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) که قرب الی الله و کمال نهایی است، اشتباه گرفت. درحقیقت تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی نیز یکی از اهداف فرعی و مقدمه برای نیل به آن هدف اصلی و اولی است. البته ممکن است ارتباطش با آن هدف اصلی از ارتباط بقیه اهداف، روشن‌تر و نزدیک‌تر باشد. بینش‌های گوناگون روی اخلاق متعالی تأثیرهای مثبت و منفی گوناگون دارند و عکس آن نیز صادق است. یعنی فضایل و رذایل اخلاقی بر فعالیت‌های اقتصادی اثر مثبت و منفی می‌گذارند.

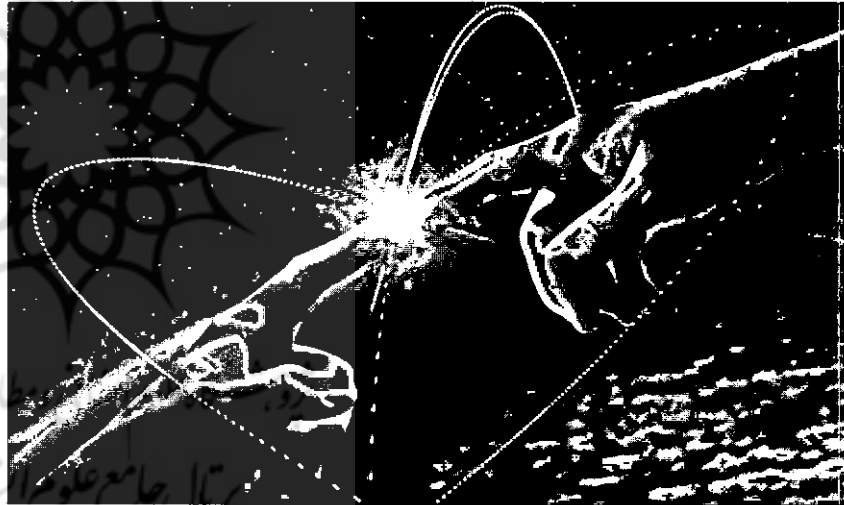
## ۳. برپایی عدالت اجتماعی

یکی از اهداف اصلی ارسال رسل و انزال کتب، اقامه عدل و قسط در جامعه است: «همانا پیغمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و بر آنها کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم اقامه قسط نمایند...»<sup>۱۸</sup>

تحقق عدالت اجتماعی مستلزم تحقق دو امر بسیار مهم است:

الف. زدودن فقر از جامعه، چرا که فقر در جامعه نشانه ظلم است. در روایت نیز آمده است که: «اگر به عدالت رفتار می‌شد همه مردم بی‌نیاز می‌شدند»<sup>۱۹</sup>. می‌توان به روایتی نیز اشاره کرد با این مضمون که اگر مردم حق فقرا و مساکین را می‌پرداختند کسی فقیر نمی‌ماند.

خداوند نعمت‌ها را برای همه انسانها آفریده و آیات بسیاری از قرآن کریم گویای این حقیقت است و محرومیت عده‌ای از آنها یعنی ظلم، بین فقر و غنا هم واسطه‌ای نیست، جامعه فقیر نباشد یعنی غنی باشد. ب. جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود؛ قبلاً به آیه ۳۴ سوره توبه اشاره شد که در آن ثروت‌اندوزی نکوهش شده است. همچنین خداوند در آیه ۷ سوره حشر در مقام تعلیل اختصاص فیء به خدا و رسول و ذوی‌القربی و... می‌فرماید: «لکی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم»: تا اموال (تنها) در میان ثروتمندان شما دور نزنند...»



#### ۴. عدم وابستگی اقتصادی

قبلاً به حاکمیت سیاسی اسلام و شرط اساسی آن، یعنی استقلال اقتصادی اشاره شد اما استقلال اقتصادی در عین آنکه شرط اساسی استقلال سیاسی می‌باشد، با آن متفاوت است. عدم وابستگی اقتصادی یعنی روی پای خود ایستادن و در امور اقتصادی تحت قیمومیت دیگران نبودن و البته این موضوع به معنای خودکفایی نیست. زیرا ممکن است کشوری، کالاهای مورد نیاز خود را به شکل مبادله (بر اساس نیاز طرفین) وارد کند به طوری که خودکفا شمرده نمی‌شود و وابستگی اقتصادی نیز ندارد. البته توان تأمین نیازمندی‌ها در سطح عالی رفاه معقول و مشروع، مطلوب و مورد توجه نظام اقتصادی اسلام است. همه دلایلی که استقلال سیاسی را ایجاب می‌کردند بر لزوم استقلال اقتصادی نیز به طور کامل دلالت دارند. مانند آیه نفی سبیل<sup>۲۰</sup> آیه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة...»<sup>۲۱</sup>

#### ۵. توسعه و رشد

از بسیاری از متون اسلامی و سیره عملی معصومان(ع) می‌توان به توجه و عنایت مکتب حیات بخش اسلام به این هدف پی برد. از جمله:

۱. سفارش اکید اسلام به یادگیری و افزایش اطلاعات که با عبارات‌های گوناگون بیان شده است، مانند: «اطلبوا العلم ولو بالصّین»<sup>۲۲</sup> و نیز اهمیت دادن رسول خدا(ص) به مسأله سوادآموزی که نمونه‌اش را در جنگ بدر می‌بینیم که اعلام فرمودند: هر اسیری که به ده کودک مسلمان سواد بیاموزد، آزاد خواهد شد. و موارد متعدد دیگری که نمونه واضح و تجربه عملی آن را در سده‌های نخستین در اندلس اسلامی و دیگر سرزمین‌های اسلامی شاهد بوده‌ایم.

۲. تغییر وضعیت اقتصادی جزیره العرب از بازرگانی به افزایش کشاورزی تا آنجا که مدینه مرکز مهم تولیدی شد.

علی(ع) می‌فرماید: «من وجد ماء و تراباً ثم افتقر فابعدهُ الله»<sup>۲۳</sup> کسی که آب و زمین را در اختیار داشته باشد و در عین حال فقیر باشد خداوند او را (از رحمت و نعمت خود) دور خواهد گرداند.

۳. تأکید اسلام بر آباد کردن زمین‌ها و شهرها: «و هو انشاءکم من الارض و استعمارکم فیها»<sup>۲۴</sup> خداوند شما را از خاک آفرید و آبادانی زمین را از شما خواست.

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «از وظایف استاندار جمع‌آوری مالیات... و آباد کردن شهرهای آنان و... می‌باشد»<sup>۲۵</sup>

۴. افزایش ثروت و پیدایش رفاه در اثر حاکمیت اسلام که نمونه آن، تغییر زندگی فقیرانه مسلمانان در آغاز اسلام به زندگی رفاه‌آمیز نسبی است.<sup>۲۶</sup>

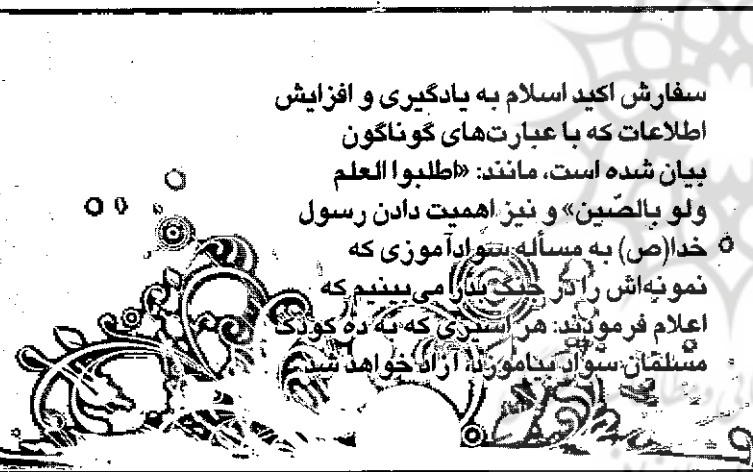
۵. رفاه عمومی که در ضمن توسعه و رشد (معقول و مشروع توأم با عدالت اجتماعی) حاصل می‌شود و بدون توسعه و رشد، تأمین رفاه عمومی میسر نیست.

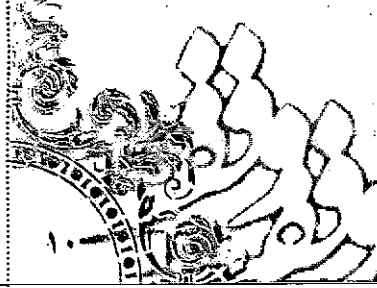
بنابراین، اولاً: نظام اقتصادی اسلام، تنها در صدد رفع نیازهای ضروری نیست بلکه به دنبال تأمین رفاه نیز هست: «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق»<sup>۲۷</sup>. بگو ای پیغمبر چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده، حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده است؟

«ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض»<sup>۲۸</sup> اگر مردم شهر و دیار، ایمان آورده پرهیزکار می‌شدند، همانا در برکت‌های آسمان و زمین را روی آنها می‌گشودیم...

ثانیاً: رفاه مطلوب و مجاز در اسلام باید در حدی باشد که انسان را از یاد خدا غافل نکند و او را از هدف

سفارش اکید اسلام به یادگیری و افزایش اطلاعات که با عبارات‌های گوناگون بیان شده است، مانند: «اطلبوا العلم ولو بالصّین» و نیز اهمیت دادن رسول خدا(ص) به مسأله سوادآموزی که نمونه‌اش را در جنگ بدر می‌بینیم که اعلام فرمودند: هر اسیری که به ده کودک مسلمان سواد بیاموزد، آزاد خواهد شد.





اصلی و اساسی که کمال ابدی و قرب الهی است باز ندارد، بلکه او را در راه نیل به آن هدف یاری دهد و جمع میان این دو نه تنها ممکن که مطلوب است. علی(ع) می‌فرماید: «أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجَلِ الْآخِرَةِ»<sup>۲۱</sup> انسان‌های باتقوا دنیا و آخرت را با هم از آن خود نمودند (و هیچ یک را فدای دیگری نکردند از دنیا نیز استفاده کردند و از آن برای اهداف معنوی و اخروی بهره بردند).

در غیر این صورت، انسان از دیدگاه اسلام در زمره حیوانات بلکه بدتر از آنان خواهد بود. «كَلُوا وَ ارعُوا انعامكم»<sup>۲۲</sup>: (خداوند نعمت‌های خود را آفریده تا) شما از آنها بخورید و چهارپایان را هم بچرانید. «...اولئک کالانعام بل هم اضل»<sup>۲۳</sup>: آنها (که بصیرت ندارند) مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه‌ترند. ثالثاً: این رفاه باید برای همه باشد نه افراد خاص و این امر، مقتضای همان عدالت اجتماعی است که به آن اشاره شد.

## بخش ۲

### نقش وقف در تحقق اهداف اقتصاد اسلامی

#### ۱. نقش وقف در تحقق هدف اصلی و اولی

چنانچه پیش از این گذشت، هدف اساسی و اصلی همه نظام‌های اسلام، از جمله نظام اقتصادی اسلام، کمال ابدی یعنی تقرب الی الله است. از دیدگاه قرآن کریم روایت‌های معصومین(ع) انفاق‌های مالی چه واجب و چه مستحب برای نیل به این هدف نهایی نقشی بس عظیم و اساسی دارند که به عنوان نمونه، در اینجا مواردی یادآوری می‌شوند:

۱. قرآن کریم در موارد متعددی از انفاق به عنوان جهاد مالی در کنار جهاد با جان، یاد کرده است مانند: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً...»<sup>۲۴</sup>: مؤمنانی که بدون عذر از جهاد بازنشسته‌اند با آنان که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند، برابر نیستند، خدا مجاهدان به مال و جان را بر نشستگان برتری بخشیده است...

۲. در موارد متعدد هدف از مالیات‌ها و انفاق‌های مالی در اسلام، از جمله زکات و وقف در نزد بسیاری از فقهاء قصد قربت است. این انفاق‌ها، گذشته از جنبه اقتصادی، همانند نماز و روزه عبادت هستند، و غرض اصلی از عبادات قرب الهی است. «وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»<sup>۲۵</sup>: به پرستش خدای خود مشغول باش تا یقین بر تو فرا رسد.

۳. در بسیاری از آیات قرآن کریم، به دنبال واژه «فی سبیل الله» و مانند آن ذکر شده است. به عنوان نمونه:

«الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا انفَقُوا مِنْهَا وَ لَا أذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...»<sup>۲۶</sup> مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند و در پی آن منتی نگذارند و آزاری نکنند، آنها را پاداش نیکو نزد خدا خواهد بود. خداوند در جای دیگر به صراحت هدف از انفاق را لقاء الله دانسته است: «... وَ مَا تَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ مَا تَنْفِقُونَ مِنْ خَيْرٍ يُوفِّى الْيُوكُم...»<sup>۲۷</sup>: نباید جز در راه (رضا) و لقاء وجه الله انفاق کنید و آنچه از خیر که انفاق کنید به طور کامل به شما می‌رسد...

آیات قرآنی که چنین مضامین دارند بسیارند.

۴. در آیاتی از قرآن کریم، هدف روشن انفاق و دادن صدقه، تزکیه نفس و رسیدن به «بر» و نیکی ذکر شده است. در سوره آل عمران می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»<sup>۲۸</sup> هرگز به مقام نیکوکاران (و خاصان خدا) نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست می‌دارید (و بسیار محبوب است) انفاق کنید.

شأن نزول این آیه، وقف و صدقه است. با نزول این آیه کسانی چون ابوطلحه انصاری به فکر صدقه دادن و وقف کردن بهترین اموال خود افتاد. این آیه، راه رسیدن به «بر» را انفاق چیزهایی دانسته که مورد علاقه و محبت انسان است و روشن است که «بر» چه به معنای ثواب از جانب خدا و یا انجام فعل خیری که پاداش الهی را به دنبال دارد.<sup>۲۹</sup> مصداق اصلی و حقیقی آن، قرب الهی و سعادت و کمال ابدی انسان خواهد بود.

در آیه «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكیهم بها...»<sup>۳۸</sup> (ای رسول) از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دارد تا با آن صدقه‌های نفوس آنها را (از پلیدی و... پاک و پاکیزه‌سازی و...) هدف از دریافت صدقه از مؤمنان تطهیر و تزکیه نفوس آنها به وسیله صدقه (و انفاق مالی) دانسته است. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

تطهیر یعنی از آله اوساخ از یک چیز تا وجود آن صاف گردد و برای نشو و نما و ظهور آثار و برکات، مستعد و مهیا گردد و تزکیه عبارت است از رشد دادن و اعطای رشد به آن به وسیله حقوق خیرات و ظهور برکات، همانند درختی که قطع زواید از فروع و شاخه‌های آن، باعث زیادی در حسن و نمو آن و نیکویی میوه‌هایش می‌شود. از این رو، جمع بین تطهیر و تزکیه در آیه از تعابیر لطیف است.<sup>۳۹</sup>

بنابراین همه انفاق‌های مالی، از جمله وقف، برای انسان به منزله هرس کردن درخت از اضافات است که او را در مسیر نیل به هدف اصلی و نهایی‌اش یاری می‌دهد و در این جهت به او سرعت می‌بخشد.

## ۲. نقش وقف در تحقق اهداف فرعی اقتصاد اسلامی

### ۱. تأثیر وقف بر استقلال اقتصادی (و سیاسی) و رشد و توسعه

وقتی سخن از تأثیر وقف بر استقلال اقتصادی و رشد و توسعه مطرح می‌شود هرگز به این معنا نیست که وقف به تنهایی می‌تواند همه ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد یک ملت را در بر گیرد به طوری که در اقتصاد کشور به منابع مالی دیگر نیازی نباشد، بلکه منظور این است که وقف به عنوان یک سرمایه عظیم مالی می‌تواند در این سمت و سو نقش سازنده و قابل توجهی دارد. همچنین به این معنا نیست که برخلاف اهداف واقفان، درآمد وقف را از موارد اصلی مصارف آن که در وقف‌نامه‌ها آمده است، منحرف کنیم و آنها را در راه تحقق استقلال اقتصادی و رشد و توسعه به کار گیریم و به مصرف برسانیم. حقیقت این است که می‌توان سرمایه‌های عظیم وقف را نیز همانند دیگر سرمایه‌ها با رعایت همه جوانب وقف، موازین شرع اهداف واقفان را در جریان فعالیت‌های تولیدی و خدماتی قرار داد و آنها را از حالت رکود به حالت تحرک و پویایی هدایت کرد تا به این وسیله به رشد و توسعه و استقلال اقتصادی (و سیاسی) کشور کمک شایان و قابل توجه کند و همچنین بر سرمایه‌های اوقاف افزوده شود که این امر یقیناً در راستای اهداف واقفان است.

پاسخ به دو ایراد:

ایراد نخست: وقف به معنای حبس است و سرمایه حبس شده نمی‌تواند در جریان فعالیت‌های اقتصادی قرار گیرد.

پاسخ: واژه حبس که در تعریف وقف آمده است.<sup>۴۰</sup> هرگز به معنای حبس سرمایه و اموال موقوفه از قرار گرفتن در مسیر تولید و خدمات (البته با رعایت ضوابط و اهداف واقفان) نیست. حبس در اینجا به معنای منع و جلوگیری از منتقل ساختن رقبه و سرمایه وقف به دیگری است و این امر هرگز به معنای حبس اموال وقف از فعالیت‌های اقتصادی نیست. در مباحث فقهی و در غالب وقف‌نامه‌ها آمده است که در مرحله اول لازم است از درآمد مال وقفی صرف تعمیرات و اصلاح خود رقبه وقف شود تا هم سالم و مصون بماند و هم بتواند دارای درآمد بیشتری شود، یعنی افزایش درآمد سرمایه‌های وقفی (با رعایت موازین) که مورد رضایت شارع و نیز در جهت تحقق اهداف واقفان است.

ایراد دوم: وقف از انفاقات مستحبی است و ضامن و پشتوانه مطمئنی ندارد حال آنکه از نظر اقتصادی سرمایه‌هایی که بخواهند در مسیر تولید و خدمات اقتصادی قرار گیرند، باید سرمایه‌هایی مطمئن و با پشتوانه باشند.

پاسخ: اولاً، همان انگیزه‌های معنوی که صاحبان و مالکان خیراندیش را به وقف بخشی از احب و اطیب سرمایه خود وامی‌دارد، بهترین ضامن و پشتوانه است. تاریخ گذشته اوقاف و تعداد بی‌شمار رقیات وقفی (به رغم صدمات و تلفات سنگینی که در طول عمر طولانی خود داشته است) و نگاهی گذرا به وقف‌نامه‌ها و بعضی از کتیبه‌های موجود، این حقیقت را کاملاً آشکار می‌سازد که مردم با دل و جان بهترین اموال خود را برای این منظور در نظر می‌گرفته‌اند و خواهند گرفت.



ثانیاً: ما در حال حاضر عملاً با اوقاف بسیاری مواجه هستیم که دست کم در باره آنها این ایراد وارد نیست. با همین اوقاف موجود چه باید کرد؟ آیا باید آنها را به امان خدا رها کرد تا هرکس تحت هر عنوان در مورد آنها هر کار می‌خواهد انجام دهد و نباید برای احیای آنها قدمی برداشت؟

البته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان اوقاف و نهادهای بزرگی چون آستان قدس رضوی (ع) در این راه گام‌های بلندی برداشته‌اند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد. اما به نظر می‌رسد گستردگی و ظرفیت اوقاف برای فعالیت‌های اقتصادی کشور بیش از اینها باشد که قطعاً مورد نظر دست‌اندرکاران امور وقف کشور می‌باشد و حرکت در این سمت و سو خود نشانه این بذل توجه است.

نکته دیگری که در اینجا نباید از نظر دور داشت موضوع اشتغال‌زایی است. بدون شک اگر سرمایه عظیم اوقاف در مسیر فعالیت‌های گوناگون اقتصادی قرار گیرد، بخش در خور توجهی از بیکاران کشور به کار جذب خواهند شد و این خود از آثار و برکات بسیار مهمی است که امروزه در دنیا سخت قابل توجه است، کاری که نهادهایی چون آستان قدس رضوی تجربه کرده‌اند و نتایج ارزنده‌ای را نیز در بر داشته است.

## ۲. تأثیر وقف بر تحقق عدالت اجتماعی و راه عمومی

از متون اسلامی به خوبی روشن است که اسلام خواهان زدودن همه جوانب و زوایای فقر در اقتصاد جامعه است و نیز به دنبال رفاه عمومی در حد معقول و مشروع.

شهید صدر در این باره می‌نویسد:

مسئولیت دولت و نظام اسلامی، به جز تأمین نیازهای حیاتی و ضروری افراد، این است که یک سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات روز را برای افراد تضمین نماید و آنها را به یک حد از رفاه (عمومی) برساند. وی یکی از ابزار مهم دولت اسلامی برای تحقق این هدف را کفالت همگانی مسلمانان در برابر یکدیگر ذکر می‌کند (یعنی احساس مسئولیت متقابل و عمومی).<sup>۲۱</sup>

از این رو، اولاً فقرزدایی تنها در حد «قوت لایموت» به نیازمندان کفایت نمی‌کند. ثانیاً مسلمانان در برابر یکدیگر مسؤولند و کفالت همگانی دارند. کلینی در اصول کافی از امام صادق (ع) نقل کرده است که:

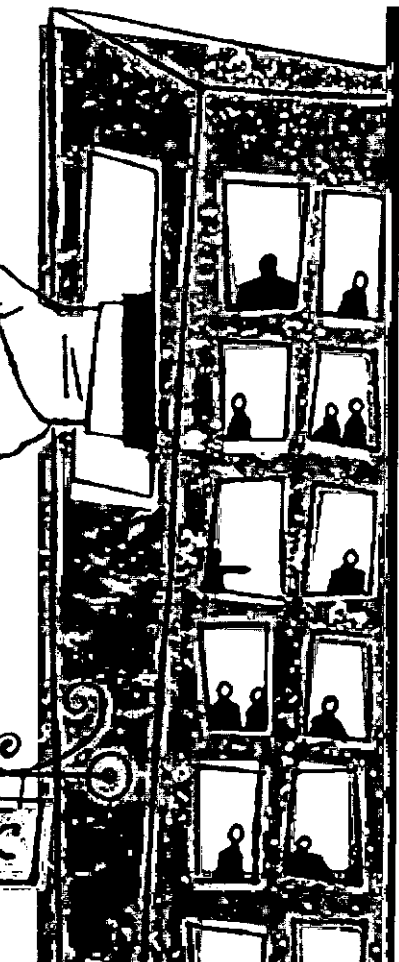
«خداوند برای فقرا در اموال ثروتمندان به قدر کفایت (و اداره زندگی آنان به خوبی) قرار داده است و اگر این مقدار آنها را کفایت نمی‌کرد، بیشتر قرار می‌داد و این مشکلات فقرا از ناحیه کسانی است که آنها را از حقشان باز می‌دارند.

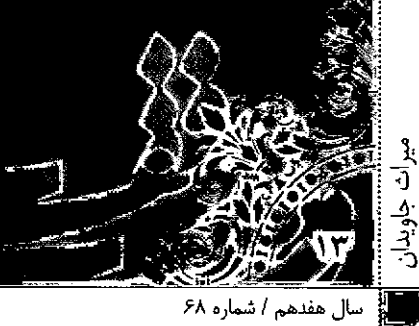
در باب زکات، امام موسی کاظم (ع) در پاسخ کسی که پرسید: آیا می‌توانم هشتاد درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: «آری و بیشتر» پرسید، صد درهم چطور؟ فرمود: «آری: اگر می‌توانی او را بی‌نیاز کن»<sup>۲۲</sup>؛ و اغنه آن قدرت آن تغنیه.

امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: «اذا اعطیت فاغنه»: هر گاه اتفاق می‌کند طرف را بی‌نیاز نما.<sup>۲۳</sup>

در حدیث دیگری امام صادق (ع) می‌فرماید:

«خداوند همه نیازهای فقرا را در نظر گرفته است، از هزینه‌های غذا و پوشاک و ازدواج گرفته تا هزینه صدقات مستحبی و حتی هزینه انجام حج آنان»<sup>۲۴</sup>





روایت‌ها در این زمینه با این مضامین در اصول کافی و دیگر کتاب‌های حدیثی فراوان است که در بعضی از آن تصریح شده است که وظیفه مسلمانان نسبت به یکدیگر تنها با پرداخت وجوه واجب، ساقط نمی‌شود. در حدیثی از امام صادق (ع) سؤال می‌شود در مال انسان چه مقدار زکات واجب است؟ حضرت پاسخ می‌دهد: زکات ظاهر و (متعارف) را می‌گویی یا زکات باطن را؟ (راوی) عرض کرد: هر دو را. حضرت فرمود: زکات ظاهر در هر هزار درهم بیست و پنج درهم و اما ملاک در زکات باطن این است که نیازهای برادرت را در نظر بگیری و در مواردی که او نیازمندتر است، خود را بر او مقدم نداری.<sup>۲۵</sup>

### نقش وقف

وقف از دو راه می‌تواند در این مورد مؤثر باشد:

۱. نفس استقلال و رشد و توسعه اقتصادی (مبتنی بر موازین اسلامی) که به طور طبیعی موجب رفاه عمومی و زدودن و دست کم کاهش چشمگیر فقر و محرومیت و آثار شوم آن در جامعه خواهد شد. کیست نداند: کشوری که دچار رکود اقتصادی است و یا از اقتصادی وابسته برخوردار است نمی‌تواند در جهت رفاه عمومی و عدالت اجتماعی گامی مثبت و مؤثر بردارد.

۲. بخش عمده موارد مصرفی که واقفان دورنگر و نیکوکار در طول تاریخ وقف در نظر گرفته‌اند به رفاه عمومی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. اگر ما نگاهی هر چند گذرا، به تاریخ وقف و مضمون وقف‌نامه‌ها بیندازیم به خوبی در می‌یابیم که واقفان خیر و دوراندیش تمام زوایا و جوانب نیازها را در نظر گرفته‌اند.

به رغم اینکه بسیاری از رقبات موقوفات و مدارک آنها در طول زمان به دلایل و عوامل گوناگونی از بین رفته‌اند و از بسیاری از آنها نامی هم باقی نمانده است، مشاهده می‌کنیم که جهت و سمت و سوی اصلی مورد نظر واقفان در طول تاریخ فقرزدایی و در مرحله بعدی، تحقق رفاه عمومی در سطح معقول بوده است.

پیش از پرداختن به ذکر برخی از موارد مصرف وقف، یادآوری یک نکته خالی از فایده نیست و آن این است که نیازهای عمومی و خصوصی مردم نسبت به زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است، مثلاً در یک زمان، مردم به کاروانسرا، آب انبار و... نیاز مبرم داشتند اما در روزگار ما تأسیس فضاهای آموزشی، درمانی، مسکن، جاده‌ها و... از اولویت بیشتری برخوردار هستند، می‌تواند به سمت و سو دادن وقف‌های جدید در جهت اولویت‌های جامعه کمک شایان و درخور توجهی بنماید.

### نگاهی به مصادیق وقف

در اینجا به اختصار به برخی از موارد مصرف وقف اشاره و پیرامون بعضی از آنها توضیحاتی داده می‌شود هدف تنها ذکر نمونه‌هاست نه استقرا و استقصای کامل، و توضیح و تغییر مفصل پیرامون هر یک از آنها:

#### مساجد

صرف نظر از مسجدالاقصی و مسجد الحرام نخستین و دومین مسجد در اسلام، مسجد قبا و مسجد النبی (ص) است که به دست پیامبر گرامی اسلامی (ص) تأسیس شدند. اگر این دو مسجد را از



موقوفات رسول خدا(ص) برشماریم، نخستین موقوفات در اسلام خواهند بود که واقف آنها حضرت رسول اکرم(ص) هستند و در نتیجه حتی وقف بستان‌های هفتگانه نخستین وقف در اسلام خواهد بود. اما نخستین واقف، رسول اکرم(ص) خواهند بود. به دنبال این دو مسجد، مسلمانان در مدینه و در شهرهای اسلامی به تأسیس مسجد دست یازیدند.

از نکات درخور توجهی که با مراجعه به وقف‌نامه‌های بسیاری از مساجد روشن می‌شود، موقوفات بسیاری است که واقفان مساجد یا دیگر افراد نیکوکار وقف کرده‌اند: خانه‌ها، مزرعه‌ها، باغ‌ها، مغازه‌ها، املاک و... در بسیاری از وقف‌نامه‌های مساجد بجز تعمیرات و امور مربوط به مساجد، کارهای خیر دیگری چون، اطعام فقیران و عطف و خطاب، تعلیم و قرائت قرآن کریم، تدریس علوم گوناگون و... نیز به عنوان موارد مصرف اوقاف مساجد ذکر شده است. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به تاریخچه اوقاف اصفهان، نوشته عبدالحسین سینتا، یادگارهای یزد، نوشته ایرج افشار، به ویژه بخش وقف‌نامه‌های مسجد امیرچقماق و مسجد جامع یزد.<sup>۴۷</sup>

### نخستین مدرسه در اسلام

یحیی محمود ساعتی می‌نویسد:

نخستین کسانی که در زمینه تأسیس مدرسه در اسلام از آنان نام برده شده اهل نیشابور بوده‌اند که مدرسه بیهقیه را در آنجا بنا کردند. امیر نصر، فرزند سبکتگین و برادرش، سلطان محمود هر یک مدرسه‌ای را در این شهر بنا کردند و مدرسه سعیدیه نیز در آنجا بنا شده بود.<sup>۴۸</sup>

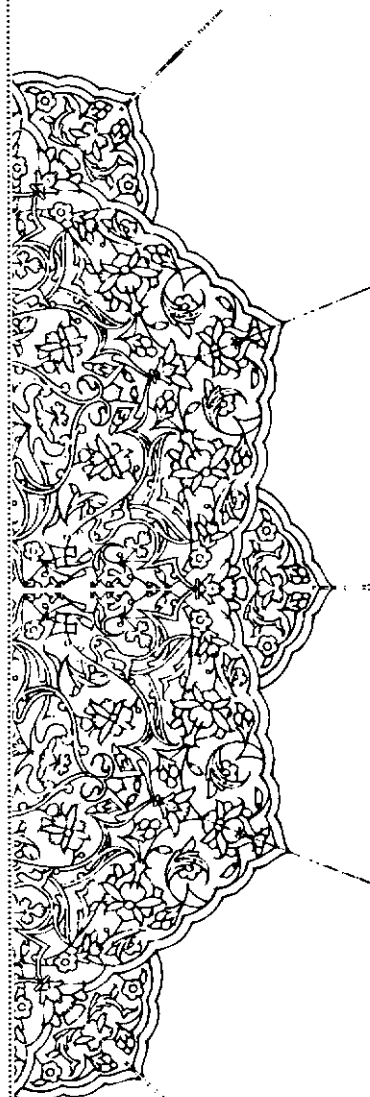
جرجی زیدان نیز تأسیس این مدارس و مدارس دیگری از جمله مدرسه خواجه نظام‌الملک در نیشابور را از مورخان اسلامی نقل کرده است.<sup>۴۹</sup> وی از بعضی مورخان غربی نقل کرده که مأمون در زمان ولیعهدی خود در خراسان مدرسه‌ای تأسیس کرد. اما وی یادآور شده است که معلوم نیست غربی‌ها این موضوع را از کجا روایت کرده‌اند چرا که مورخان مسلمان اسمی از آن نبرده‌اند. اما مشهورترین مدرسه‌ای که در قدیم بنا شده و تا مدت‌ها پابرجا بوده و بسیاری از مورخان مسلمان آن را نخستین مدرسه اسلامی می‌دانند، نظامیه است که در اواسط سده پنجم هجری قمری به دستور خواجه نظام‌الملک طوسی وزیر ملکشاه سلجوقی، در بغداد تأسیس شد.<sup>۵۰</sup>

جرجی زیدان یادآور می‌شود شاید سبب اشتها نظامیه بغداد از آن رو است که خواجه نظام‌الملک برای نخستین بار، تحصیل را در آن مدرسه رایگان ساخت و برای دانش‌پژوهان مقرری معین کرد. به هر حال نخستین مدرسه اسلامی توسط امیران و بزرگان ایرانی برپا شده و اگر حتی مدرسه مأمون هم صحیح باشد در ایران و با نظر ایرانیان بنا شده و در غیر این صورت مأمون باید پس از رسیدن به خلافت در بغداد، مدرسه دایر کند و نکرد.<sup>۵۱</sup>

خواجه نظام‌الملک در اصفهان، نیشابور، هرات و... نیز مدارسی تأسیس کرد که همه آنها بخصوص مدرسه بغداد به نام وی، نظامیه خوانده می‌شدند. خواجه نظام‌الملک برای نظامیه بغداد، که در کنار دجله بنا شده بود، بازارها، کاروانسراها، گرمابه‌ها، ده‌ها، خانه‌ها و... را از دور و نزدیک خریداری و به مدرسه وقف کرد، به طوری که هزینه مدرسه سالانه به شصت هزار دینار می‌رسید. نخستین استادان این مدرسه، ابوالحسن شیرازی، ابونصر صباغ، ابوحامد غزالی، سهروردی، کمال‌الدین انباری و... بودند.<sup>۵۲</sup> بعدها به تدریج دیگران از خواجه نظام‌الملک پیروی کرده در اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی مدارس رایگانی برپا کردند در دمشق، ایران، مصر، عثمانی و عراق و...

ابن بطوطه در سفرنامه خود از جمله مواردی که در سفر به سرزمین‌های اسلامی از آن نام برده مدارس است مدارسی که عواید و درآمد موقوفات آنها هزینه طلاب، استادان و حتی میهمانان و تازه‌واردان را به خوبی تأمین می‌کرده است. وی در یکی از خاطره‌هایش می‌نویسد:

از ایذه تا اصفهان... مدت ده روز در قلمرو حکومت اتابک راه پیمودیم، راه ما از میان کوه‌های بلند بود و هر شب در مدرسه‌ای منزل می‌کردیم که در همه آنها وسایل خورد و خوراک مسافران فراهم بود. این مدرسه‌ها برخی در میان آبادی و برخی دیگر در مواضع غیرمعمور بنا شده بودند و ناچار اجناس مصرفی



آنها را از نقاط دیگر می‌آوردند.<sup>۵۳</sup>

فرهنگسرای بزرگ ربیع رشیدی (ربیع: خانه، سرا و محله) از ساخته‌های خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر کاردان، شایسته و دوراندیش ایلخانان مغول در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری است. از وقف‌نامه ربیع رشیدی (به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار بر اساس نسخه اصلی) دریافت می‌شود که ربیع رشیدی فرهنگسرای بزرگ علمی و آموزشی بوده که بخش‌های گوناگونی مانند محلات، بازار یا کاروانسرا، باغ، راه‌های درون شهری و... را در خود جای داده بوده است.<sup>۵۴</sup>

در یکی از نامه‌های رشیدالدین ذکر شده که بیست و چهار کاروانسرای رفیع قصرگونه، هزار و پانصد دکان، سی‌هزار خانه دلکش و... در آن بنا شده است.

گویا هدف غایی رشیدالدین فضل‌الله از احداث این فرهنگسرا، گسترش دانش بوده است...

ربیع رشیدی دارای بخش‌های گوناگون آموزشی بوده است این فرهنگسرای بزرگ برای کودکان، به ویژه کودکان یتیم و بی‌سرپرست، آموزش حرفه‌ای برحسب نوع و میزان استعداد مشاغل محصلین، مدارس عالی، دارالشفاء و... دارای مراکز بسیار مجهز و گسترده، با قوانین و مقررات پیشرفته‌ای بوده است که بسیاری از آن قوانین و مقررات از زمان خود جلوتر بوده و قابل انطباق بر شرایط و اوضاع و مقررات عصر حاضر نیز می‌باشد.<sup>۵۵</sup>

پس از قتل رشیدالدین فضل‌الله (۷۱۸ق) ربیع رشیدی به غارت رفت و تمام بخش‌های آن به آتش کشیده شد و ابزار و وسایل آن به دست توده عوام که تحت تأثیر تبلیغات مخالفان رشید قرار داشتند، به تاراج رفت. پس از روی کار آمدن فرزندش، خواجه غیاث‌الدین محمد (۷۲۹ق) ربیع رشیدی مجدداً رونق یافت و خرابی‌ها سر و سامان گرفت اما این بار هم پایدار نماند و پس از قتل غیاث‌الدین محمد دوباره به نابودی گرایید...  
نگاهی کوتاه به آمار گذشته و فعلی مدارس در کشور خودمان گویای این حقیقت تلخ است که بسیاری از آن مدارس از بین رفته‌اند و اثری از آنها باقی نمانده است. به عنوان نمونه، مرتضی راوندی در باره کثرت اوقاف در یزد می‌نویسد:

در ازمنه سابق در دارالعباده یزد زیاده از چهارصد مدرسه و بقعه شریفه معموره می‌بود که هر یک از آنها موقوفات کلی و جزئی داشتند و نظر به انقلاب روزگار کل آن ابنیه ویران گشته و تمامی موقوفات به ضبط خالصه دیوان درآمده مگر یک مدرسه شفیعیه که الان دایر است و چند مدرسه جدید.<sup>۵۶</sup>  
امروز نیز چون گذشته به همت والای نیکوکاران، نیاز مبرم احساس می‌شود تا دوباره قدم به میدان نیکوکاری گذارند و مشکل فضاهای آموزشی کشور را از مدارس ابتدایی گرفته تا دانشگاه‌ها با صدقات جاریه خویش حل کنند.

### کتابخانه

در مورد کتابخانه نیز استقصا و استقرای کامل مجال بسیار گسترده‌ای را می‌طلبید و مجلدها کتاب را به خود اختصاص خواهد داد.

در اینجا تنها به تاریخ تأسیس کتابخانه و نقش وقف در آن اشاره مختصری خواهد شد. بدون تردید کتاب و کتابخانه از عوامل اصلی نهضت فرهنگی و گسترش تعالیم و معارف اسلامی بوده و هست و غالباً کتابخانه‌هایی که تأسیس می‌شده از راه وقف بوده است و از این جا نقش وقف بر کتاب و کتابخانه نیز روشن می‌شود.

یحیی محمود ساعتی از عبدالله جبوری نقل کرده است که: علاقه علمای اسلامی به فراگیری علم، موجب شد تا آن دسته از فقها که وقف اشیای غیرمنقول را جایز نمی‌دانستند نیز وقف را از این اصل کلی استثنا کنند.<sup>۵۷</sup>

### نخستین کتابخانه

جرجی زیدان پس از بیان مطلب که عرب‌ها در اواخر سده دوم فقط علوم اسلامی را مدون کردند (البته این





بیان جرجی زیدان در مورد تاریخ تدوین علوم اسلامی مربوط به تدوین کتب توسط اهل سنت است که در آن مورد نیز اتفاق نظر وجود ندارد و گرنه علمای امامیه تاریخ تدوین فقه، حدیث و... را همان آغاز و توسط علی (ع) و... می دانند.<sup>۵۸</sup> و بعد می نویسد:

نخستین فرمانروایانی که به تأسیس کتابخانه‌های عمومی دست زدند خلفای عباسی بودند، گرچه در زمان بنی‌امیه نیز کتابخانه‌هایی بود ولی آنها بیشتر توسط پزشکان و فیلسوفانی که در خدمت دولت بودند، تأسیس می‌شد و خود و فرزندان‌شان استفاده می‌کردند.

نخستین کتابخانه عمومی را در بغداد دایر کردند و آن را بیت‌الحکمة نامیدند، که احتمالاً هارون مؤسس آن می‌باشد. در این کتابخانه‌ها به ترجمه و استنساخ نیز مشغول می‌شوند... مأموران عباسی از نظر تأسیس کتابخانه عمومی و نهضت علمی برای سایر فرمانروایان اسلامی سرمشق شد.<sup>۵۹</sup> اما یحیی محمود ساعاتی نقل کرده است که:

نخستین کتب وقفی را می‌توان در کتابخانه عبدالحمک حجمی که وی آن را در قرن اول هجری در مکه مکرمه تأسیس نموده، جستجو کرد.<sup>۶۰</sup>

پس از خلفای عباسی به ویژه خلفای اندلس در این کارها به مأمون تاسی کردند و بیش از همه آنان حکم‌بن ناصر (که در سال ۳۵۱ خلیفه شد) در این مورد به مأمون شبیه بود به طوری که ابن خلدون و مقریزی شماره کتاب‌های کتابخانه کاخ سلطنتی اندلس را چهارصد هزار جلد دانسته‌اند... و بعدها تنها در غرناطه هفتاد کتابخانه عمومی وجود داشت.

جرجی زیدان در باره کتابخانه «الغزیزه» دومین خلفای فاطمی مصر (که در سال ۳۶۵ ق خلیفه شد) می‌نویسد:

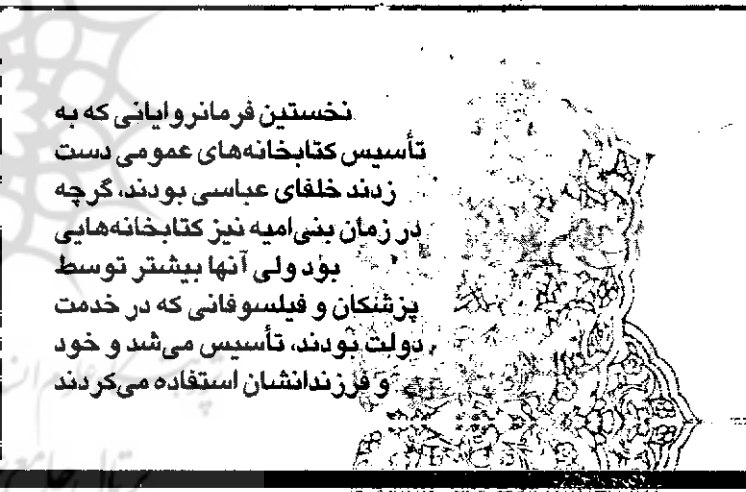
وی با تشویق وزیر دانش‌پرور و کتاب‌دوستش، یعقوب بن کلس، کتابخانه‌ای تأسیس کرد که نام آن «خزانة الکتب» و دارای یک میلیون و ششصد هزار جلد کتاب بوده است.<sup>۶۱</sup> وی درباره کتابخانه بزرگ شام که توسط خلفای فاطمی تأسیس شد و فرنگیان در سال ۵۰۲ ق پس از فتح طرابلس آن را غارت کردند از کیبون، مؤلف تاریخ امپراتوری روم، نقل کرده است که «سه میلیون کتاب آن کتابخانه را فرنگیان سوزاندند.»<sup>۶۲</sup> ساعاتی می‌نویسد:

از قرن چهارم هجری به بعد کتابخانه‌های وقفی در سراسر جهان اسلام، رواج یافت به درجه‌ای که کمتر شهری یافت می‌شد که خالی از کتابخانه وقفی نباشد... تعداد این کتابخانه‌ها در اندلس به حدی رسیده بود که ابوحیان نحوی به خریدار کتاب، عیب می‌گرفت و می‌گفت:

«تجدد به تو عقل معاش دهد» (چرا کتاب می‌خری؟) من هر کتابی بخواهم از کتابخانه‌های وقفی امانت می‌گیرم و در کتابخانه‌های وقفی نشان می‌دهم و از آنجا که این کتابخانه‌ها وقف شده‌اند و وقف کرده بودند، در آن زمان در طرابلس علم و وقف کرده بودند.

این کتابخانه‌ها را وزیر فرمان‌الدوله عمادالدین ابومصعب فرزند خلیفه (موتوفای ۴۱۳ ق) تأسیس کرد که دارای نوزده هزار جلد کتاب بود و در آن زمان در طرابلس علم و وقف کرده بودند. در این کتابخانه‌ها نیز کتابخانه‌های اسلامی کتابخانه‌های وقفی و غیر وقفی در سراسر جهان اسلام وجود داشتند و در بسیاری از کشورها نیز کتابخانه‌های وقفی و غیر وقفی در سراسر جهان اسلام وجود داشتند و در بسیاری از کشورها نیز کتابخانه‌های وقفی و غیر وقفی در سراسر جهان اسلام وجود داشتند. ساعاتی نقل کرده است که:

از این میان به کتابخانه‌هایی که کتابخانه‌های اداره کل کتابخانه مرکزی دارای ۱۳ کتابخانه وابسته در خراسان



**نخستین فرمانروایانی که به تأسیس کتابخانه‌های عمومی دست زدند خلفای عباسی بودند، گرچه در زمان بنی‌امیه نیز کتابخانه‌هایی بود ولی آنها بیشتر توسط پزشکان و فیلسوفانی که در خدمت دولت بودند، تأسیس می‌شد و خود و فرزندان‌شان استفاده می‌کردند.**



و سایر استان‌ها می‌باشد) آستان قدس رضوی، کتابخانه ملی تهران، کتابخانه آیت‌الله العظمی نجفی (در قم) و... می‌توان اشاره کرد. همان‌طور که در پایان بحث مدارس اشاره شده در این جا نیز یادآور می‌شویم که امروز هیچ محقق و دانشمند و کاوشگر، چه در علوم انسانی و چه در علوم تجربی و... نمی‌تواند ادعا نماید که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مدیون همین کتاب‌ها و کتابخانه‌های وقفی نیست. در بحث مربوط به کتابخانه نیز به همین مقدار بسنده می‌شود. برای اطلاع بیشتر از آمار کتابخانه‌های مهم ایران به فهرست کتابخانه‌های ایران تألیف عبدالعزیز جواهر الکلام، مراجعه شود.

### بیمارستان

از موارد دیگری که واقفان به آن توجه داشته‌اند بیمارستان و مراکز درمانی است. در تاریخ بیمارستان‌های وقفی، بیمارستانی که بیش از همه مورد توجه قرار گرفته و معمولاً به آن پرداخته‌اند، بیمارستان عضدی است که بنای آن در سال ۳۶۸ق به دست عضدالدوله دیلمی (از سلاطین آل بویه) در بغداد آغاز شد و در سال ۳۷۱ق به پایان رسید.

عضدالدوله چندین رقبه املاک را نیز که عواید فراوانی داشتند بر بیمارستان وقف کرده بود. این مرکز، بیمارستانی بود بسیار مجهز و دارای بخش‌های گوناگون: شکسته‌بندی، چشم‌پزشکی، بیماران روانی و... در این بیمارستان علاوه بر درمان بیماران، پزشکان، جراحان و داروسازان به تدریس نیز می‌پرداختند. عضدالدوله مشهورترین و حاذق‌ترین طبیبان و جراحان را به آنجا فرا خوانده بود، پزشکانی چون ابوالحسن علی‌بن ابراهیم بن بکس (مدرس و طبیب) جبرائیل بن عبیدالله بن بختیشوع (پزشک خاص دربار) و... این بیمارستان متجاوز از ۲ سده دارالشفای بغداد بود و پس از حمله مغول آسیب‌های فراوان دید و امروزه (جز در یادها و متون تاریخی) هیچ‌گونه اثری از آن یافت نمی‌شود.<sup>۶۵</sup>

در وقف‌نامه‌ها نیز مکرر به مواردی بر می‌خوریم که واقفان، اموالی را برای درمان و تهیه دارو برای مستمندان در نظر می‌گرفته‌اند. بدون شک یکی از بهترین جهات و موارد مصرف وقف، همین بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی است. متولیان اموال موقوفه و دست‌اندرکاران اوقاف کشور می‌توانند از درآمد اوقافی که دارای موارد مصرف عام مانند «فی سبیل‌الله» و مانند آن هستند به مصارف اینچنین اختصاص دهند و برای انسان‌های پاکدل و خیر و نیک‌اندیشی که دوست دارند صدقه جاریه‌ای از خود بر جای گذارند تا بدین وسیله زندگی خود را جاودانه کنند و به مقام والای «بیر» نایل آیند. چه مقامی بالاتر و ارزشمندتر از اینکه بخشی از ثروت فناپذیر خویش را به احداث مراکز درمانی یا تهیه وسایل مورد نیاز آن مراکز به ویژه در مناطق محروم‌نشین کشور، اختصاص دهند و بدین وسیله بالاترین خدمت را به عده‌ای از بندگان خوب خدا ارائه دهند تا مقداری از دین خود را به آنان ادا کرده و خود نیز بندگان خوب خداوند باشند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. اقتصاد ما، ۱۲/۲-۱۸.
۲. اقتصاد ما، ۱۲/۲-۲۵، مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۶۴-۶۳، درس‌هایی از اقتصاد اسلامی، تسخیری، ۲۱۰، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ۱۳-۱۴.
۳. اقتصاد ما، ۲۴/۲-۲۵، درس‌هایی از اقتصاد اسلامی، ۲۱۰، مبانی اقتصاد اسلامی، ۶۴، مجموعه مقالات فارسی، مقاله آیت‌الله سیدمحمودهاشمی، ۴۰-۴۱.
۴. ر.ک: مجموعه مقالات فارسی، مقاله آیت‌الله سیدمحمودهاشمی، ۴۱-۴۲، درس‌هایی از اقتصاد اسلامی، ۲۱۱.
۵. سوره شوری / ۲۷.
۶. سوره علق / ۷.
۷. ر.ک: مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، به کوشش پروفیسور خورشید احمد، ترجمه محمدجواد مهدوی، ۲۰-۲۶.
۸. سوره بقره / ۱۵۶.
۹. سوره فاطر / ۱۸.
۱۰. سوره ق / ۵۰.

۱۱. سوره ذاریات / ۵۶.
۱۲. درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ۲۳-۲۹.
۱۳. سوره حدید / ۲۵.
۱۴. سوره اعراف / ۱۷۹.
۱۵. رک: مجموعه مقالات فارسی، مقاله استاد مصباح، ۵۷-۶۳، مقاله آیت الله سید محمود هاشمی: ۳۴-۳۶ / مقایسه بین سیستم های اقتصادی، ۶۲/۱ به بعد.
۱۶. سوره نساء / ۱۴۱.
۱۷. سوره انفال / ۶۰.
۱۸. سوره حدید / ۲۵.
۱۹. اصول کافی، ۴۵۵/۱.
۲۰. سوره نساء / ۱۴۱.
۲۱. سوره انفال / ۶۰.
۲۲. بحار الانوار، ۱/۱۷۷.
۲۳. وسائل الشیعة: ۲۴/۶.
۲۴. سوره هود / ۶۱.
۲۵. نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳.
۲۶. رک: فروع کافی، ۴۴۲/۶.
۲۷. سوره اعراف / ۳۲.
۲۸. سوره اعراف / ۹۶.
۲۹. نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۲۷.
۳۰. سوره طه / ۵۴.
۳۱. سوره اعراف / ۱۷۹.
۳۲. سوره نساء / ۹۵.
۳۳. سوره حجر / ۹۹.
۳۴. سوره بقره / ۲۶۲.
۳۵. سوره بقره / ۲۷۲.
۳۶. سوره آل عمران / ۹۲.
۳۷. رک: نییان، ۵۳۰/۲.
۳۸. سوره توبه / ۱۰۳.
۳۹. المیزان، ۳۷۷/۹.
۴۰. رک: المختصر النافع، ۲۵۵، ایضاح الفوائد، ۳۷۷/۲.
۴۱. اقتصاد ما، ۳۱۹/۲-۳۲۲.
۴۲. رک: مرآة العقول، ۸۶/۱۶.
۴۳. رک: همان جا.
۴۴. مرآة العقول، ۱۰۲/۱۶.
۴۵. مرآة العقول، ۱۱/۱۶.
۴۶. تاریخچه اوقاف در اسلام، نوشته دکتر علی اکبر شهبانی و....
۴۷. رک: مقدمه ای بر فرهنگ وقف، ۲۵.
۴۸. وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی، ۱۸.
۴۹. رک: تاریخ تمدن اسلام، ۶۲۶.
۵۰. تاریخ آغاز: سال ۴۵۷ ق.
۵۱. رک: همانجا.
۵۲. همان، ۶۲۸: سفرنامه ابن بطوطه، ۳۰/۱.
۵۳. سفرنامه ابن بطوطه، ۲۴۵/۱.
۵۴. رک: وقف نامه ربع رشیدی، ۱۷۰ به بعد.
۵۵. رک: وقف نامه ربع رشیدی، ۱۷۰ به بعد: بررسی اداری و آموزشی ربع رشیدی، ۷۱ به بعد / مجله وقف، میراث جاودان، شماره ۴، ۵۲.
۵۶. تاریخ اجتماعی ایران، ۷۵۷/۴.

۵۷. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۳۳.  
 ۵۸. رک: معالم المدرسین نوشته علامه عسکری، تأسیس معالم الشیعه نوشته سیدحسن صدر، مقدمه مرآة العقول نوشته علامه عسکری، ۶۸/۲ به بعد.  
 ۵۹. تاریخ تمدن اسلام، ۶۳۱.  
 ۶۰. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۳۳.  
 ۶۱. تاریخ تمدن اسلام، ۶۳۲-۶۳۴.  
 ۶۲. تاریخ تمدن اسلام، ۶۳۶.  
 ۶۳. رک: وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۳۵-۳۶.  
 ۶۴. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ۳۶.  
 ۶۵. رک: وقف، میراث جاویدان، شماره ۱ سال ۳ (شماره مسلسل ۹)، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ۳۱ (از کتاب آل بویه).

منابع و مأخذ

۱. احمد، خورشید، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمدجواد مهدوی، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، ۱۳۷۴.  
 ۲. مظاهری، حسین، مقایسه بین سیستم‌های اقتصادی، مؤسسه در راه حق، قم.  
 ۳. ابوسعید، احمدبن سلمان، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، سازمان اوقاف، تهران.  
 ۴. طباطبایی، علامه سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ق.  
 ۵. سلیمی‌فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، ۱۳۷۰ش.  
 ۶. نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح، چاپ اول، مؤسسه دارالهجرة، ایران، ۱۴۰۷ق.  
 ۷- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.  
 ۸- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، وقف، میراث جاویدان، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران.  
 ۹. وقف‌نامه ربع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی (شماره ۱۳۹)، تهران، ۱۳۵۶ش.  
 ۱۰. ساعتی، یحیی محمود، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ترجمه احمد امیری شادمهری، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، ۱۳۷۴ه.ش.  
 ۱۱. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، چاپ پنجم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳.  
 ۱۲. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصاد ما، چاپ دوم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۵۷ش.  
 ۱۳. فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، به کوشش آیت‌الله سیدمحمد شاهرودی، چاپ اول، ۱۳۸۸ق.  
 ۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.  
 ۱۵. بروشکی، محمدمهری، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، مؤسسه چاپ انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵ش.  
 ۱۶. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۹ش.  
 ۱۷. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهرکلام، انتشارات امیرکبیر، تهران.  
 ۱۸. سینتا، عبدالحسین، تاریخچه اوقاف اصفهان، اداره کل اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶ش.  
 ۱۹. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، انتشارات مؤسسه در راه حق، قم، ۱۳۶۳ش.  
 ۲۰. تسخیری، محمدعلی، درسهایی از اقتصاد اسلامی، چاپ اول، مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.  
 ۲۱. ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۰.  
 ۲۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ دوم، سازمان سمت، تهران، ۱۳۷۴ش.  
 ۲۳. واعظزاده خراسان، محمد (به کوشش)، مجموعه مقالات فارسی، مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، مشهد مقدس.  
 ۲۴. حلی، علامه محقق (اول)، المختصر النافع، چاپ دوم، مؤسسه البعثه، تهران، ۱۴۱۶ق.  
 ۲۵. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ش.